



واکنش رئیسی به اخلاخ در شبکه سوخت رسانی

ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم در جلسه روز گذشته هیئت دولت با قدردانی از وزیر و کارکنان وزارت نفت برای اقدام بهنگام در مواجهه با تالاش دشمن برای ایجاد اختلال در سامانه‌های سوخت‌رسانی کشور و نیز اطلاع‌رسانی مناسب و به‌موقع رسانه‌ها در این زمینه، گفت: «عملکرد سنجیده وزارت نفت و پوشش خبری مناسب این موضوع از سوی رسانه‌ها، مانع از تحقق اهداف دشمنان در ایجاد نگرانی برای مردم شد. البته این مسئله گواه آن است که دشمن مترصد ضربه زدن به مردم و زندگی شهروندان است و همه مسئولان و دستگاه‌های مختلف باید اقدامات پیشگیرانه و اصول مراقبتی‌را بیش از گذشته مدنظر داشته باشند.» او ادامه داد: «همه‌مدیران و مسئولان دستگاه‌های مختلف باید در کنار توجه به پیشبرد امور اداری، به توسعه و ارتقای موازین اخلاقی در جهت افزایش بهره‌وری در خانواده اداری کشور نیز اهتمام داشته باشند.»



آخرین وضعیت پرونده‌جای دیش

مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه در مورد پرونده جای دیش آیا اتهاماتی به‌ساداتی‌نژاد،وزیر سابق جهاد کشاورزی وارد است یا خیر؟ گفت:«این پرونده با اهتمام خوبی که صورت گرفته در دانسرای عمومی انقلاب مطرح رسیدگی است و پس از تکمیل تحقیقات با کسب اجازه اطلاعاتی‌را مطابق مقررات قانونی ارائه خواهیم کرد و به سمع و نظر ملت ایران خواهیم‌رساند، اما فعلاً محدودیت اطلاع‌رسانی وجود‌دارد و نسبت به‌رد یا تایید اسامی به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم اظهارنظر کنیم.» ستایشی در بخش دیگری گفت: «به‌عنوان سخنگوی دستگاه قضا اعلام می‌کنم اینکه کدام دستگاه برای اولین بار از کشف وقوع این موضوع مطلع شد و سایر دستگاه‌های نظارتی را راجع به این فساد مطلع کرد، اهمیتی به مراتب کمتر از آن دارد که تمام دستگاه‌های قضایی و نظارتی امروز به‌صورت سیستماتیک و آماده به‌رزم، در برابر فسادی که به‌وقوع پیوسته مصمم هستند.»

حبس ابد نوری فاقد و جاهت قانونی

سخنگوی قوه قضائیه در رابطه با صدور حکم حبس ابد حمید نوری در سوئد گفت: «این حکم خشن و خلاف حقوق مصرح بین‌المللی به وضوح نشان داد سیستم قضایی سوئد کاملاً توسط تروریست‌های نشاندار بین‌المللی شناسایی و مورد طمع قرار گرفته و به‌جای رسیدگی عادلانه، براساس دستورالعمل ازپیش تعیین‌شده، جانبداری از تروریسم را در قالب نادادگاه تعقیب می‌کند.» او ادامه داد: «امروز نیز اعلام می‌کنیم این جفای آشکار و این ظلم را فاقد و جاهت قانونی و حقوقی وزیر با گذاشتن منشور حقوق بشر ارزیابی می‌کنیم.»

واکنش به مصاحبه نرگس محمدی

او در مورد مصاحبه نرگس محمدی باخارج از کشور گفت: «براساس گزارش‌های مستندی که ما از سازمان زندان‌ها داشتیم و اقدامات فنی و کارشناسی که در این زمینه شده هیچ‌گونه فایل صوتی از جانب زندانی مورد بحث در زندان منتشر نشده و هیچ‌کدام از مطالب منتشرشده در فضای مجازی نسبت به زندانی مورد بحث از جانب او نیست و توسط افراد دیگر صورت می‌گیرد و توسط همسرش انجام می‌شود. اگر شما ادله‌ای دارید که غیر از این است و مستند است، ارائه کنید.»

طبری پرونده مفتوح ندارد

او در رابطه با آخرین وضعیت پرونده طبری گفت: «در حال حاضر این فرد فاقد هرگونه پرونده مفتوح در دادگاه کیفری یک است. پرونده وی در اجرای احکام است و این فرد در حال تحمل کیفر است. طبق گزارش‌های واصله پرونده‌ای در دادسرای ناحیه ۲۸ عمومی و انقلاب تهران ویژه کارکنان دولت در ارتباط با طرح چند فقره شکایت خصوصی در حال رسیدگی و تحقیقات مقدماتی است و اگر شرایط اطلاع‌رسانی مهیا شد اطلاع‌رسانی می‌شود. دو فقره پرونده او در رابطه با محاکم تجدیدنظر استان تهران مطرح رسیدگی است که هنوز تصمیم‌نهایی اتخاذ نشده است.»

یلدای سیاست

گزارشی از آیین گرامیداشت صدوبیست و چهارمین سالروز تاسیس مدرسه علوم سیاسی

گروه‌سیاسی: صدوبیست‌وچهارمین سالگرد «تاسیس مدرسه علوم سیاسی» در خانه اندیشمندان علوم انسانی با حضور جمعی از اساتید علوم سیاسی، دانش‌جویان این حوزه و برخی رسانه‌ها به همت «اتحادیه انجمن‌های علوم سیاسی ایران» برگزار شد؛ جلسه‌ای که علاوه بر اینکه می‌توان آن را فرصتی برای دوره‌می پژوهشگران و تحصیلکردگان حوزه علوم سیاسی و تبادل نظر و بیان تجربیات دانست، شرایطی را فراهم آورد که به یادآوری آنچه در دنیای آکادمیک درباره این حوزه رخ داده و البته آسیب‌شناسی این رشته در ادوار مختلف و آنچه مبتلایه در دوران امروز است، پرداخته شود؛ وضعیتی که شاید بتوان آن را با توجه به حال و هوای فضای سیاسی کشور و این شب‌ها و جامعه ما «یلدای سیاست» دانست.

صدوبیست‌وچهار سال قبل مدرسه‌ای بنابر شرایط آن روز ایران شکل گرفت که برپاکندنگان امیدوار بودند بتوانند کشور را از گزند آنچه‌دنیای مدرن به جوامع

نهادسازی کنشگران مرزی

سیاسی‌خیره می‌شویم، این امر اجتماعی را نمی‌بینیم. امر اجتماعی زندگی در جامعه‌ای وجود داشته که مدرسه سیاسی به وجود آمده است. مدرسه سیاسی یک نیاز بود و اینها سبب شد از طریق عواملن تغییر که لزوماً هم مستقل از دولت نبودند و تنها تعهدی میان ایران و جهان داشتند، این مدرسه شکل بگیرد. فروغی که از معلمان این مدرسه بود، مدرسه سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند: «مدرسه‌ای که در آن قوانین تدریس می‌شود.» و متغیرهای جریان در اینجا و از طریق این تردهای مبانی در این فضای بینابینی، یک اتفاقاتی جامعه ایران براساس وسعت صور خیال ترتیب می‌دهد که صورت‌های مختلفی از عمل دارد و در اینجا می‌بینیم که درس‌های حقوق بین‌الملل عمومی گذاشته می‌شود.

یک فرمان مظفری درباره مدرسه سیاسی وجود دارد که در کتاب «استادان استادان چه کردند» به تفصیل این مورد را آورده‌ام. فرمانی که مظفرالدین شاه در هنگام افتتاح مدرسه سیاسی در شهر ذی‌الحجه ۱۳۱۷ نوشته این است: «خارج از تکالیف مذهبی تعلیم ندهند. آنچه‌میل و رای همایونی ماست، به همان قسم مرتب و منظم بدارند. اشخاصی متدین، موافق قانون مذهبی تربیت کنند. عقاید ضایع نشود. یک نفر مفتش مراقب باشد و نگذارد خلاف امری واقع شود.» در اینجا مفهومی وجود دارد، در واقع مظفرالدین‌شاه برای مدرسه سیاسی یک نقشی تعریف می‌کند. در واقع مدرسه‌سیاسی براساس یک انتظار نقش به وجود آمد. اما آنچه که من تصور می‌کنم فقط «نقش» نیست و یک اجرائیتی نیز دارد و نتیجه این performativity با اجرائیت مدرسه سیاسی، مشروطه شد. یعنی نقشی نشده که در فرامین مظفری بوده باشد. این زندگی ایران است که سیستم حتی از آن استفاده می‌کند، از آن منابع می‌گیرد، با آن رفت‌وآمد و گفت‌وگو دارد اما زندگی خود را نیز دنبال می‌کند. مدرسه سیاسی یک زندگی داشت که از دل آن ادبیات برای مشروطه تولید می‌شود، فضاهای ارتباطی با دنیا ایجاد می‌شود، فضای سخت اداره جمعیت که ژانز دیگری از دولت است و با مفهوم سنتی قدرت و حکومت متفاوت است، ایجاد می‌شود. اسنادی در مدرسه سیاسی وجود دارد که به‌خوبی توضیح داده است که چه اتفاقاتی در مدرسه سیاسی که یک دهه قبل از مشروطه ایجاد شده بود رخ داد که تأثیر خود را در مشروطه نشان داد و توضیح می‌دهد که در جزئیات اتفاقات آن دوره مدرسه سیاسی چه کار کرده است. برای مثال نظام‌نامه انتخابات که برای مجلس آزاد ملی برادران پیرنیا و مشیرالملک و... نوشته شد، اینها معلمان مدرسه سیاسی بودند. تأکید من در این مبحث بر این است که داینامیسم (پویایی) ایران را همیشه ببینیم، متغیرهای جریان را بشناسیم و بدانیم که متغیرهای جریان در تعارض و تعامل با متغیرهای حالت می‌توانند رویدادهایی را ایجاد کنند و خصیصه رویدادی ایران از اینجاست که نشأت می‌گیرد. مدرسه سیاسی یکی از این رویدادها و در واقع ناپهنگامی‌ها بود که رخ داد. در ادامه نقش و انتظاری برای نخبگان نهادهی تعریف شد اما زندگی در ایران و ارتباطات و جریان مبادلاتی که از طریق این افراد و روابط ایجاد شد، عملکرد دیگری برای مدرسه سیاسی رقم زد که در تاریخ معاصر ما هم از نظر دانش و هم از نظر تأسیسات اجتماعی، معنوی و سیاست در ایران می‌تواند نقش داشته باشد.



بخشی از خاطره فرهنگی و حافظه تمدنی که در ایران وجود دارد و در واقع صورت‌های خیال در ایران است، کمک کرده است تا تنوع کنشگری در ایران شکل بگیرد و یکی از آن تنوعات کنش را کنش‌های مرزی نامیدند. این کنش مرزی در واقع میان دولت و جامعه کمتر دیده می‌شود و در امر اجتماعی ایران موجود بوده است. وقتی در امر

سنتی تحمیل می‌کند، نجات‌داده و البته متناسب با پیشرفت جهان خود را ارتقاء دهند. به‌عبارتی وقتی ایرانیان با تحولات جهان در تاریخ معاصر آشنا شدند؛ و فاصله ایجاد شده در پیشرفت و قدرت جوامع غربی با خود را دیدند، در بازه‌های مختلف تصمیم به تأسیس سه مدرسه در ایران کردند؛ «مدرسه طب» در پی فراگیری بیماری‌های واگیر، «دارالفنون» در پی عقب‌ماندگی‌های حوزه صنعت و «مدرسه سیاسی» که به دلیل اینکه احساس نیاز به کارمند و دیپلمات برای ارتباط با سایر کشورها داشتند. مدرسه سیاسی‌ای را می‌توان یکی از ارکان شکل‌گیری تجدد و تلاش برای نجات ایران در عصر جدید دانست؛ مدرسه‌ای که به همت چهره‌هایی مانند مشیرالدوله و ذکاالملک (فروغی) شکل گرفت و پیشرفت کرد و از همین مدرسه بعدها «دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران» برپا شد. البته در تقویم ما روزی به‌عنوان روز علوم سیاسی وجود ندارد و برپایی این مراسم در چنین روزی هم‌زمان با تلاش جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان در سال

نسبت علوم سیاسی با ایران آینده

سیدعبدالامیر نبوی

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

در این میحث درباره نسبت علوم سیاسی با ایران آینده و تصمیمات حیاتی که باید گرفته شود، توضیحاتی می‌دهم. گفته می‌شود تحولات مهم سال‌های ۷۸ و ۸۸ بیشتر صبغه سیاسی داشته است که غلط نیست. تحولات سال ۹۶ و ۹۸ بیشتر صبغه اقتصادی داشته است که غلط نیست. تحولات سال ۱۴۰۱ صبغه فرهنگی و اجتماعی بیشتری داشته است که غلط نیست اما هم‌زمان در تمامی این اتفاقات یک روند مشترک دیده می‌شود؛ سیاست بر خورد با معترضان، منتقدان، مجازات‌های دسته‌جمعی و... است. پس می‌بینیم غلبه صبغه اعتراضات در حال تغییر است اما نوع بر خورد نمتنها همچنان ادامه می‌یابد، بلکه شدیدتر هم می‌شود. در نسنستی اعلام کردم که ایران تبدیل به روسیه خاورمیانه شده است یعنی جایگاه ژئوپلیتیک ممتاز، سیستم نظامی قوی و سیستم اقتصادی بسیار ضعیف و شکننده‌تر دارد و باید جلوی حرکت به سمت کر شمالی شدن را بگیریم چراکه عملکرد جریان حاکم نشان می‌دهد که در باره ایران آینده تصمیم خود را گرفته‌اند و قرار نیست که صداها شنیده شود و نشان داده چگونه قرار است با دشواری‌ها در این مسیر بر خورد کند. به نظر می‌رسد تحولات و سبک زندگی هم نشان می‌دهد که جامعه دارد به تدریج تصمیم خود را برای گذر از این وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و شاید سیاسی می‌گیرد. نه اینکه انقلابی شود، بلکه قواعد را به تدریج از طریق زندگی روزمره دگرگون می‌کنند. این دوگانه عملاً به چشم دیده می‌شود. در واقع دوگانه‌ها زمانی در زندگی عینی پیش می‌آید که افراد ناچار هستند موضع خود را مشخص کنند و این حالت و در واقعیت به تدریج خوب یا بد، در حال شکل گرفتن است. سوال این است که علوم سیاسی ایران این وسط چه‌کاره است؟ چه نسبتی دارد؟ و باید چکار کند؟ از نظر من بخشی از انتقاداتی که به رشته علوم سیاسی می‌شود که به چه درد جامعه ایران می‌خورد، همین‌جا مشخص می‌شود که علوم سیاسی باید نسبت خود را با سبک زندگی روزمره و واقعیت‌های جامعه معاصر ایران مشخص کند. سال ۸۲ کتابی با عنوان «فرهنگ لغات زبان مخفی» منتشر شد که نشان می‌داد خبرهایی در جامعه ایران است و جوانان دارند تفاوت‌هایی را رقم می‌زند که نسل پدر و مادرهای آن‌ها متوجه این کلمات نمی‌شوند. وقتی با همکارانم صحبت کردم متوجه شدم تنها یک نفر از وجود چنین کتابی خبر دارد و آن را خوانده است. در واقع دوری محققان علوم سیاسی از واقعیت‌های عینی که بخشی از آن بر زبان نسل جدید جاری است، عمیق‌تر شده است. در این‌جاست که علوم سیاسی باید تصمیم بگیرد چکار کند و چگونه به جامعه ایران کمک کند که این گذار سهل‌تر، کم‌ردس‌تر و با آسیب کمتر به تمامیت ارضی و استقلال کشور رخ دهد. تنها راهی که به ذهن من می‌رسد این است که علوم سیاسی سعی کند به ذهن و زبان نسل جدید نزدیک شود و درک کند که این نسل جوان چه انتظارات، نیازها و آرزوهایی دارد و به چه امکاناتی نیاز دارد. برای اینکه این نقش ایفا شود، باید تاریخ‌زدگی علوم سیاسی کمتر شود. تاریخ مهم است اما رشته علوم سیاسی تاریخ‌زده است. ما الان در مورد آنچه در صفویه گذشته می‌دانیم؛ در مورد قاجار، به، پهلوی و جنگ تحمیلی هم همین‌طور، اما نمی‌دانیم نسبت آن با زندگی کنونی ما چیست؟ توجه بیش از حد به رشته روابط بین‌الملل موضوع دیگری است که در علوم سیاسی باید به آن توجه کرد. علوم سیاسی از روابط بین‌الملل اشباع شده است. دانستن درباره روابط بین‌الملل خوب است اما نمی‌دانیم چه نسبتی با زندگی ما دارد. توجه بیش از حد به مباحث فلسفه و اندیشه موضوع دیگر است. علوم سیاسی بیش از حد اندیشه‌زده و فلسفه‌زده شده است. توهمات چپ‌گرایی که استقلال و تمامیت ارضی کشور را با این ذهنیت که نظر همه محترم است، تحت‌الشعاع قرار داده و موضوع دیگری است. همه اینها مهم است اما در وضعیتی که ما رگه‌های قوی فسادها و دولت کارآمد و... را می‌بینیم، در وضعیت اقتصادی سیاسی ایران، علوم سیاسی ناچار است به داستان زندگی ایرانیان در سال ۱۴۰۲ بیشتر توجه کند. روندهای جاری را درک کند و در چار چوب این روندها نسبت خود را با جامعه مشخص و برای ایران آینده گمانه‌زنی و فرضیه‌پردازی کند و توصیه‌هایی برای اینکه این گذار آسیبی به تمامیت ارضی و استقلال کشور نزند، داشته باشد. در این شرایط انجمن‌های مدنی که بتوانند به‌صورت مستقل مباحث را بررسی کنند و وفادارانه به تمامیت ارضی و استقلال کشور پایبند باشند، نقش دیگری پیدا می‌کنند. البته اینکه این گذار امروز یا ده سال دیگر رخ خواهد داد را نمی‌شود دقیقاً گمانه‌زنی کرد چراکه متغیرهای متعددی مؤثر است و تحولات آینده برآیند این متغیرها خواهد بود.

